



۲۰۲۲/۰۹/۱۷



فیس کبیر

یکباری دیگر پیرامون مباحثاتی زبانی

مدتی بنابر مریضی که عاید حال گردیده بود، قادر نبودم در مباحثاتی پیرامون زبان و نقش آن در جوامع انسانی حصه بگیرم. سعی دارم دوباره این رشته را در دست گرفته، تا حد توان و امکان به جواب دوستان بپردازم. اولتر از همه مراتب سپاس و امتنان خود را از دوستانی که فعالانه درین بحث شرکت کردند، ابراز میدارم. شرکت فعالانه این دوستان نمایانگر علاقمندی و توجه مسئولانه شان نسبت به زبان دری میباشد.

دوم باید به وضاحت کلام اعتراف کنم که نوشته من مبنی بر عقیم بودن زبان دری از دیدگاه یک تخنیکر روی کاغذ رقم خورده بود، نه یک زبان شناس و متخصص زبان. ناگفته نباید گذاشت طرز برخورد تخنیکر ها با بسیاری از قضایای زندگی اجتماعی متفاوت تر از دیگران است. تخنیکران بیشتر به ذخایر احصایوی و واقعیت های موجود اتکاء دارند تا ارزیابی تاریخی مسایل سیاسی، اجتماعی و ادبی.

زمانیکه یادداشت های مقایسوی «رضا باطنی» راپیرامون مصادر زبان دری با زبان فرانسوی و انگلیسی، مطالعه کردم و در همان هوا و احوال به قاموس کبیر افغانستان نگاهی انداختم، توضیحات وی را از نظر خود صائب یافتم و بی توجه به تاریخچه زبان ها و کاربرد آن در جوامع بشری مقاله از این قلم منتشر گردید که احتمالاً خاطر بسیاری از دوستان و عزیزان را رنجانده باشد و من از این بابت بسیار متأسف هستم.

باید خدمت دوستان عزیز خویش به عرض برسانم که نوشته هایم پیرامون چگونگی زبان و قاموس کبیر افغانستان فقط بر پایه تکنولوژی انفورماتیک استوار است. به طور مثال در باره تعداد مصادر در هر زبان، موجودیت فیصدی لغات خارجی در زبان، و سایر مسایل تکنولوژی و... زیرا دوستان زبان شناس هم از نگاه تاریخی، سیاسی، ادبی و چگونگی سیر انکشاف و یا انقراض زبان ها تحقیق ها و کاوش های بسیار کرده اند، کتب و مقالات متعدد نوشته اند. اما در باره مسایل تکنولوژیک و احصاییه ها علاقمندان میتوانند نظریات شان را ارائه کنند. در این عرصه من میتوانم ارقام حقیقی را همگانی سازم تا همه بدانند که زبان شان دارای چه تعداد مصادر از آنجمله مصادر حقیقی، لازم، متعدی، جعلی بسیط و مرکب اند.

مصمم هستم در همکاری با محترم انجنیر شیر ساپی در اسرع وقت مصادر بسیط را از قاموس کبیر افغانستان برون نویسی کرده و متعاقباً در همکاری با محترم احمد آریا این مصادر را ریشه یابی کرده و نوعیت مصدر را نیز تشخیص و به این ترتیب میتوان با فیصدی خیلی زیاد، تعداد لغات و کلمات را معین کرد. کاریست قابل توجه، امیدوارم با موفقیت آنرا بسر رسانیم.

دانشمند محترم بناغلی جلیل غنی می نویسد:

آیا همین زبان از بیش از یک هزار سال قدمت از زمان ساسانیان و و لعد محمد غزنوی تا کنون هیچ اثر علمی و تحقیقی را به وجود نیاورده که انسانها از آن مستفید شده باشند؟ اگر نه کرده، و بیکاره و عقیم بوده پس این همه کتب و کتابخانه و تحقیق و تتبع موضوعات مختلف علمی، تخنیکی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و طبی و غیره بی حاصل و بی تاثیر بوده است و ما و شما این همه معلومات و تحصیل را در وطن و یا بیرون از وطن چگونه و از کدام آثار جمع آوری و آموخته ایم؟ آیا هزاران کتاب این رشته ها یا به همین زبان تالیف و یا از زبانهای دیگر ترجمه نشده است؟

جواب به بناغلی جلیل غنی

دوست محترم، عقیم بودن زبان یعنی محدود بودن آن از تولید لغات جدید نظر به محدود بودن مصادر آن. شاید من مطلب را درست رسانده نباشم. خودم تا با حال قانع نیستم که بدون ادغام زبانهای عربی، ترکی و دیگر زبان ها، زبان دری قادر به نشر تحقیق و تتبع موضوعات مختلف علمی، تخنیکی، اجتماعی، تاریخی، اقتصادی، فرهنگی و طبی و غیره می بود... دوماً صفات را که درج کردید به نظر شک می بینم. شما مینویسید:

مطابق به معیار های یونسکو هر زبانی که کمتر از یک هزار و پنج صد کلمه از خود داشته باشد زبان رو به زوال گفته می شود و تعداد زیاد زبانها مطابق به معیار یونسکو یا از بین رفته اند و یا تعداد متکلمین این زبانها کمتر شده است، البته در زنده بودن هر زبان موثریت آن که تا چه اندازه توانائی توسعه را دارد و یا می تواند در پیشبرد علم و پیشرفت ممد واقع شود و پای تمدن و پیشرفت علم و تکنولوژی پیشرفت و توسعه یابد، هم یکی از عوامل موثریت

و بقای آنست که خوش بختانه زبان فارسی دری یکی از زبانهای عمده و زنده ی جهان با سابقه ی بیش از یک هزار سال بعد ساسانیان و غزنویان شناخته شده است و نشان می دهد که این زبان از چنان مشخصه بر خور دار است. جواب:

بلی محترم غنی صاحب! بعد از جمعآوری مصادر دری، ما قادر به آن خواهیم بود، احصای مقدار کلمات سُچۀ دری را تعیین کنیم و بعد از احصایهٔ سرجمع کلمات دری را بررسی کنیم. درین سرجمعی «ادات استهفامی، شرطی، ندایی و ربطی» اسماء با صفات مانند فولاد و فولادی - زمرد و زمردی - هرات و هراتی و... شامل خواهند بود... به کمک دیتابیس ها قادر خواهیم شد، فیصدی لغات خارجی را در زبان دری ارزیابی کنیم.

دانشمند محترم شاعلی انجینر صاحب معرفی می نویسد:

«علم زبانشناسی معاصر» به صراحت تام حکم میکند، که در دنیای ما هیچ زبان "فقیر و غنی" وجود ندارد و در عالم هیچ لسانی غنیتر از لسان دیگری نیست، چون هر زبان احتیاجات اهل همان زبان را به وجه لازم و کافی و به صورت احسن برآورده میسازد. پس اگر کسی برمیخیزد و زبانی را "نازای و عقیم و خنثی" میپندارد، در واقع کمپایگی "دانش زبانی" خود را نشان میدهد. بلی؛ اگر کسی بیاید و از بهر مثال "زبان عربی" را با لطائف الحیل و دسائس و "سفسطه بافی" بر زبان "دری/فارسی" ارجحیت بدهد، در واقع "درجه آگاهی" خود را هم از "هر دو زبان" و هم از "زبانشناسی" ثابت میسازد!!!»

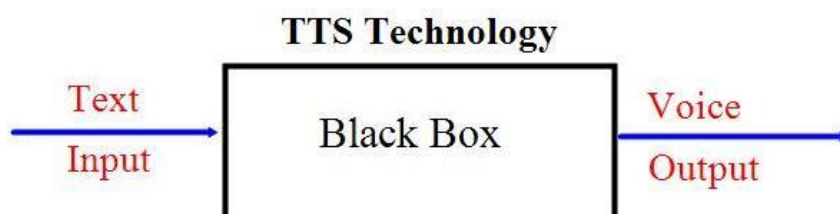
جواب به معرفی صاحب:

امروزه زبان دری و پشتو بیشتر از زبان عربی متأثر است که بدون آن در بسیاری امور خواهیم لنگید. حتی گمان نزدیک به یقین من این است که همین اکنون بدون در نظر داشت زبان عربی ما نخواهیم توانست زبان های ملی خویش را با تکنولوژی «Text to speech» عیار بسازیم. بدون اعراب ما قادر نیستیم، شکل تلفظی کلمات را اداء کنیم. تکنولوژی «تحریر به تقریر و یا نوشتار به گفتار» قابل انکشاف نیست.

مقاله زیر را مفصلاً از نظر تان بگذرانید:

تکنالوجی „speech to Text نوشتار به گفتار”

م



در اینجا من به گفته شما "زبان عربی" را با لطائف الحیل و دسائس و "سفسطه بافی" بر زبان "دری/فارسی" ارجحیت ندادم، بلکه در یک مثال از تکنولوژی اهمیت "زبان عربی" را خاطر نشان کردم و اگر آنرا لطائف الحیل و دسائس و "سفسطه بافی" می پندارید، لطف کرده برای ما شکل تلفظ کلمات را برای این تکنولوژی واضح سازید. به طور مثال یک سیستم کمپیوتری کلمات مانند «بلخ و ملخ و رستن، رستن، حُسییدن، حُفسیدن، جستن» را به صورت درست تلفظ کند؟

د پانو شمیره: له 2 تر 2

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ maqalat@afghan-german.de

یادونه: دلیکنی د لیکنیزې ښې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په څیر و لولئ